



انترناسیونال

۱۵۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۳۱ شهریور ۱۳۸۵، ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۶

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

صفحات
۵ و ۴

با مبارزه ای جهانی، کبری رحمانپور را از طناب دار اسلامی نجات دهیم!



مینا احدی

اما اسم کبرا رحمانپور در

صفحه ۶

انسانیت در دفاع از حق حیات کمپینی که به اعماق جامعه نفوذ کرده است

کارگری، احضار، بازجویی و بازداشت و تعلیق تعداد زیادی از دانشجویان و فعالین سیاسی، حکم اعدام کبری رحمانپور و تعدادی دیگر در ایران و... هر روز يك یا چند موضوع در صدر رسانه های مختلف قرار میگیرد.

است. تنش بین دولت ایران و آمریکا، سفر خاتمی به آمریکا، ندادن ویزا به وزیر کشور رژیم اسلامی برای سفر به آمریکا، سفر احمدی نژاد و سخنرانی او در سازمان ملل و دیگر مجامع دولتی، اعتراضات گسترده

خطاب به طبقه کارگر

رفقای کارگر!
این روزها در ایران، مسائل متعددی مورد توجه افکار عمومی و رسانه های جمعی



ستون اول

حمید تقوایی

بوش، احمدی نژاد و مردم رویارویی بر سر چیست؟

رسانه های جمعی سخنان بوش و احمدی نژاد در اجلاس عمومی سازمان ملل را بعنوان يك مجادله و رویارویی غیر مستقیم برجسته کردند و به تعبیر و تفسیر آن پرداختند اما اهمیت این سخنرانیها نه در گفته ها بلکه در ناکفته ها بود. در حقایقی بود که در همان روز نه از پشت تریبون سازمان ملل بلکه در خیابانها فریاد زده میشد: "بوش جنایتکار جنگی است"، "احمدی نژاد باید بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه شود!"

مردم در برابر "رهبران" منفور! این رویارویی در اخبار و تحلیل و تفسیرهای سی.ان.ان. وی.بی.سی. و دیگر دستگاههای مهندسی افکار انعکاسی نیافت، اما بدون محور قراردادن این حقیقت بررسی و تحلیل و شناخت رویدادهای سیاسی دوران ما از جمله همین مجادله بوش و احمدی نژاد در سازمان ملل ناممکن است. حتی يك نگاه گذرا به

قطعنامه در مورد جدال قدرت

میان قطبهای تروریستی در خاورمیانه و مساله فلسطین

مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۳

این جاده یکطرفه است، دور زدن ممنوع!



کیوان جاويد

کشور" که در مشهد برگزار شد، می گوید: نگرانی امثال من این است: "دولت با شعارهای ارزشی روی کار آمده است، اگر موفق

صفحه ۴

اعتراف به همین حقیقت ساده است. او در میزگرد تحلیل و بررسی انتخابات دولت نهم در همایش آموزشی سیاسی فعالان و "تشکل های دانشجویی سراسر

جمهوری اسلامی در محاصره است، در محاصره مردمی که نمی خواهند! هشدار محمد خوش چهره، "نماینده مردم تهران" در مجلس شورای اسلامی تنها

میتینگ علیه حضور
احمدی نژاد در
مقابل سازمان ملل

اطلاعیه حزب

صفحه ۸

رژیم اسلامی
بر قله کوه آتشفشان

معضلات رژیم اسلامی
از زبان یک نهاد رژیم اسامی

امید رهایی

صفحه ۷

جنگ تمدنها
یا جنگ علیه تمدن!

در حاشیه سخنان پاپ
و عربده های اسلام سیاسی

محسن ابراهیمی

صفحه ۲

مکان واتیکان
در سیاست جهانی

گامی دیگر
به سوی سازش

در حاشیه رویدادها
سیاوش دانشور

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

صفحه ۲

از صفحه ۱

ستون اول

وضعیت سیاسی نابسامان طرفین این مجادله روشن میکند که دعوا واقعا بر سر چیست:

سیاستهای دولت آمریکا در عراق و افغانستان و خاورمیانه شکست خورده است، و مردم جهان و بویژه مردم آمریکا که تحت نام آنان این سیاستهای جنایتکارانه انجام میشود هر روز بیش از پیش به ماهیت ارتجاعی و ضد انسانی اهداف و سیاستها و عملکرد حاکمانشان پی میبرند و در مقابل آن قرار میگیرند. "مبارزه با تروریسم"، "حقوق بشر"، "صدور دموکراسی"، و خزعلاتی از این قبیل عملا در نزد افکار عمومی رسوا و افشا شده و دیگر خریدار چندانی ندارد. آش آنقدر شور است که حتی صدای سناتورهای محافظه کار هم حزب و همپالکی بوش و صاحبنظران و مفسرین سیاسی خودی هیات حاکمه آمریکا هم در آمده است. به نطق بوش به مناسبت پنجمین سالگرد یازده سپتامبر میتازند و اعلام میکنند که حمله به عراق ربطی به یازده سپتامبر نداشته و وضعیت را بدتر کرده است. حتی کسی مثل فرانسیس فوکویاما، توریسین و استراتژیست سیاستهای نئوکنسرواتیستی، خود را ناگزیر مینماید از بوش و هیات حاکمه آمریکا بخاطر "خوب پیاده نکردن" این سیاستها انتقاد کند! همه نظیرپرسها نشان میدهد حمایت مردم آمریکا از بوش و سیاستهایش به سرعت در حال نزول است و علت این جنب و جوش انتقادی در میان بالائیها نیز در تحلیل نهائی چیزی بجز همین واقعیت پایه ای رسوائی و بی اعتباری بوش در میان مردم آمریکا نیست.

در سطح جهانی این رسوائی و بی اعتباری بسیار وسیعتر و عمیقتر است. نفرت از هیات حاکمه و سیاستهای آمریکا در خاورمیانه و آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین به سطح کم سابقه ای رسیده است و اگر نظریه‌پردازی در این کشورها مرسوم بود بیشک رکوردهای تازه ای در این زمینه به ثبت میرسید. آمریکا و همپیمانانش در نظم نوین جهانی هر روز رسوا تر و منزوی تر میشوند. در قطب دیگر جمهوری اسلامی

این در واقع يك دعوا و مجادله درونی در داخل يك اردوگاه بزرگتر سرمایه داری جهانی است. از نظر تاریخی اسلام سیاسی، هم شاخه ای که نسبش به خمینی و شکست انقلاب ایران بوسیله جریان اسلامی میرسد و هم شاخه طالبان و القاعده، خود محصول سیاستهای آمریکا و متحدین اروپائی او است. از نظر سیاسی - ایدئولوژیک نیز اتکا هر دو قطب غربی و اسلامی به مذهب و نژاد و قومیت آنان را در يك سطح پایه ای و استراتژیک همسو و هم خانواده میکند. اینان با یکدیگر می‌جنگند که در نقطه توازن مطلوب خود به توافق برسند. آمریکا میخواهد اسلام سیاسی را رام کند و در چارچوب سیاست خارجی خود بگنجاند (کرزای و آیت الله سیستانی فعلا نمونه های نیمچه موفق از این تلاش هستند) و اسلام سیاسی میکوشد سهمی در قدرت و در ساختار دولتی کشورهای اسلامزده پیدا کند. اما فایده این جنگ برای هر دو طرف نه تنها در سازش و "صلح آخر" بلکه در تقویت و زمینه بخشیدن و توجیه یکدیگر همین امروز و در جریان همین منازعه است. حمله به افغانستان و عراق بدون جنایت اسلامی یازده سپتامبر ممکن نبود و رشد و افسارگسیختگی نیروهای اسلامی در خاورمیانه و در کل دنیا بدون جنایات آمریکا و متحدینش در عراق و افغانستان و فلسطین ممکن نمیشد. با یکدیگر می‌جنگد، مردم را میکشند، زندگی ها را به آتش میکشند و از جنایات یکدیگر نیرو میگیرند.

نطق احمدی نژاد و بوش در اجلاس سازمان ملل يك گوشه تبلیغاتی - دیپلماتیک از این منازعه درون خانوادگی بود. اما این جدال نه با دیپلماسی و مذاکره و سازش و نه با جنگ میان این نیروهای ارتجاعی ختم نمیشود. این مسابقه ترور و آدمکشی تنها با تعرض مردم شریف و آزاده دنیا، تعرض نیروهای چپ و سکولار و آزادیخواه در سراسر جهان میتواند پاسخ بگیرد. این سبک جنایت را همان مردمی در هم خواهند شکست که در خیابانهای نیویورک شعار میدادند "بوش جنایتکار جنگی است" و "احمدی نژاد باید بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه شود!"

جنگ تمدنها یا جنگ علیه تمدن!

در حاشیه سخنان پاپ و عربده های اسلام سیاسی



محسن ابراهیمی

بار دیگر جنبش اسلامی، چاقوکشان حرفه ای اش، اوپاش مغزشویی شده اش و جمعیتهای مسخ شده اش را به خیابانها ریخت. بهانه؟ پاپ اعظم گفته است: "پیامبر اسلام برای جهان فقط شرارت و اعمال غیر انسانی به ارمغان آورده و از جمله دستور داده که دین را با زبان شمشیر گسترش دهید." پاپ عقب نشست. گفت این نظر شخصی اش نیست. گفت از يك امپراطور بیزانس در قرون وسطی نقل قول کرده است. گفت میخواسته "دیالوگ میان مذاهب" راه بیاندازد! می خواسته بگوید که "مذهب با منطق دمساز است نه با خشونت!" گفت متاسف است که "جامعه مسلمانان" از این نقل قول جریحه دار شده است. اما جنبش اسلامی دست بردار نیست. پاپ اعظم باید از محضر این جنبش رسما و علنا و مستقیا عذرخواهی کند تا زخمی که بر قلب "مسلمانان" گذاشته است التیام یابد! و ...

اجازه بدهید از ظاهر عوامفریبانه و ریاکارانه ادعای هر دو طرف سریع بگذریم که گویا پاپ بندیکت شانزده، رهبر دستگاه مافیایی واتیکان، وارث انگلیزیسیون خونین قرون وسطی، فرزند خلف گیوتین مسیحی، رئیس دستگاهی که در خدمت قتل عام یهودیان بود، مبلغ سرکوب کمونیستها و آته ایستها، عصای دست ریگان و تاچر و جرج بوش، خواسته است فقط يك دیالوگ میان "تمدنها" راه بیاندازند. این از سر رهبر يك دستگاه در بسته مافیایی ضد تمدن و ضد ارشهای انسانی زیاد است.

همچنین، اجازه بدهید از ادعای "جریحه دار شدن قلب مسلمین" هم خیلی سریع بگذریم. اولاً، معلوم نیست اگر قلب مسلمین جریحه دار شده است - که به ادعای جنبش اسلامی و رسانه های غرب يك میلیارد و نیم از نفوس جهان هستند - فقط صدها نفر، چه در پایتختهای کشورهای اسلام زده، چه در کشورهای غرب به خیابان آمدند؟ آیا این به اندازه کافی گواه این حقیقت نیست که این قلب سیاسی جنبش اسلامی است که جریحه دار شده است نه قلب يك میلیارد و نیم انسان که با بیشرمی تمام "مسلمین" خطاب میشوند! ضمناً چرا هر اشاره

به محمد و شمشیرش قلب این "مسلمین" لطیف القلب را جریحه دار میکند وقتی تمام افتخارشان اینست که محمد و علی با يك چرخش شمشیر میتوانستند گردن دهها نفر را یکجا بر زمین بیاندازند، که بساط سنگسار زنان و اعدام همجنسگرایان و آزار و شکنجه معتقدین به ادیان متفاوت و کشتار بیرحمانه کمونیستها و آته ایستها و سکولاریستها و منتقدین مذهب شغل ناشریف همه روزه شان است؟! آری، باید از همه اینها بگذریم و به اصل مطلب بپردازیم.

نه سخنرانی پاپ بندیکت يك سخنرانی "آکادمیک مذهبی" برای اشاعه دیالوگ میان مذاهب است و نه خشم و نفرت جنبش اسلامی يك واکنش "مذهبی" در مقابل "اتهام" شرارت و اعمال غیر انسانی به محمد. هر دو طرف خوب میدانند که تاریخا جزوی از يك جنبش عظیم ضد انسانی هستند که در مقابل تمایلات و آرزوهای تاریخی انسانها برای آگاهی و تبادل نظر و دیالوگ و بحث و آزادی و سعادت و رفاه و برابری و حرمت انسانی بوده اند. خوب میدانند که تاریخا یکی از مهمترین ابزارهای سیاسی در مقابل مبارزه انسانها برای زندگی انسانی بوده اند. اینها جنبشهای طبقات حاکم در مقابل طبقات محروم جوامع هستند. اینها جنبشهایی برای به عقب کشیدن جوامع انسانی هستند. اینها ابزار سرمایه و سرمایه داری هستند. دیالوگشان، سازششان، کشمکش و جنگ و جدال و خونریزشان، تماما در خدمت بخشی از دیالوگ و سازش و کشمکش و جنگ و جدال و خونریزی قطبهای سرمایه داری جهانی است.

نقل قول "آکادمیک" پاپ از امپراطور بیزانس، اعلام حضور صفحه ۳

قطعه نامه در مورد جدال قدرت میان قطبهای تروریستی در خاورمیانه و مساله فلسطین

مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

۱- دولت اسرائیل از بدو شکل گیری اش با آواره کردن مردم فلسطین و انکار حقوق پایه ای آنان، و با اعمال سیاستهای تجاوزگرانه و سرکوبگرانه خود موجد و عامل تداوم مساله فلسطین بوده است. حل مساله فلسطین مستلزم خروج فوری و بیقید و شرط نیروهای اسرائیل از سرزمینهای اشغالی و به رسمیت شناسی دولت مستقل و متساوی الحقوق فلسطینی است. مبنای و اجزا این راه حل به شکل جامعی در قطعه نامه "درباره مساله فلسطین" مصوب دفتر سیاسی حزب در ژوئن ۲۰۰۲ اعلام شده است. این راه حلی است که بر بیش از نیم قرن تجاوزگری و سرکوب دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین پایان میدهد، زمینه بهره برداری و رشد اسلام سیاسی و ناسیونالیسم عرب را میخسکاند و راه را برای مبارزه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در فلسطین و اسرائیل و کل خاورمیانه برای رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر سوسیالیستی هموار میکند.

۲- قدرتیگیری نیروهای راست افراطی در اسرائیل و نیروهای اسلامی در فلسطین موانع جدی بر سر راه حل مساله فلسطین ایجاد کرده است. با روی کار آمدن این نیروهای ارتجاعی پروسه مذاکرات صلح برای رسیدن به راه حل دو دولت متوقف مانده، نفرت پراکنی قومی و مذهبی تشدید شده، و بر دامنه جنگ افروزی و یک فضای پرتشنج و خصومت آمیز افزوده شده است. مذاکرات صلح علیرغم خصلت مافوق مردمی اش از آنجا که میتواند به کاهش مشقات مردم فلسطین و قطع کشتار مردم غیر نظامی در هر دو طرف و ایجاد کشور مستقل فلسطینی کمک کند، باید از سر گرفته شود.

امر احیای مذاکرات صلح و بفرجام رسیدن این مذاکرات تا تشکیل دولت مستقل فلسطینی منوط به تحت فشار قرار دادن اسرائیل و آمریکا در یک سطح جهانی و همینطور مقابله مردم آزادیخواه و سکولار و صلح دوست در اسرائیل و فلسطین با جریانات راست افراطی و اسلامی در هر دو سوی این کشمکش است.

۳- در شرایط حاضر قدرت گرفتن و دست بالا پیدا کردن نیروهای راست مذهبی در اسرائیل و در فلسطین حاصل و بازتاب یک جدال پایه ای تر میان نیروهای بورژوازی بر متن نظم نوین سرمایه داری در سطح بین المللی است. این جدال مشخصا پس از یازده سپتامبر در یک سطح جهانی و بویژه در خاورمیانه میان دو قطب اسلام سیاسی و تروریسم دولتی آمریکا و متحدینش در جریان بوده است.

بعد از اضمحلال بلوک شرق و بویژه پس از یازده سپتامبر جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی که خود محصول و ابزار دولت آمریکا و متحدین غربی اش در مقابله با جنبش چپ و کمونیستی در خاورمیانه و در کشورهای همجوار شوروی بود، به یک قطب تروریستی و به یک پای جنگ قدرت بورژوازی در خاورمیانه بدل شد. این جنگ قدرت امروز مهر خود را بر تمامی تحولات و مسائل خاورمیانه کوبیده است.

تهاجم نظامی آمریکا و متحدینش به عراق و افسارگسیختگی نیروهای اسلامی در این کشور، بقدرت رسیدن حماس در فلسطین و کشمکش آمریکا و متحدینش با جمهوری اسلامی بر سر مساله هسته ای، و بالاخره جنگ ۳۴ روزه لبنان که به تقویت اسلام سیاسی در منطقه منجر شد، از

جمله پیامدهای مقابله دو قطب تروریستی و در عین حال از عوامل پایه ای است که در شرایط امروز به وضعیت سیاسی عمومی در منطقه، آنچه "بحران خاورمیانه" نامیده میشود، جهت و شکل میدهد.

بر متن این کشمکش و تخاصم میان اسلام سیاسی و میلیتاریسم دولتی آمریکا از یکسو جریانات اسلامی نظیر حماس و حزب الله امکان یافته اند ظاهر عوامفریبانه "حامی و ناجی" مردم فلسطین را بخود بگیرند و سیاستهای تروریستی و ارتجاعی خود را تحت این پوشش عملی کنند و از سوی دیگر دولت اسرائیل قادر شده است سیاست سرکوب و تجاوزگری نظامی همیشگی اش علیه مردم فلسطین را با ظاهری حق بجانب و بعنوان نمایندنده "دموکراسی" در مقابله با تروریسم، در ابعاد وحشیانه تر و افسارگسیخته تری به پیش ببرد.

در خاورمیانه نیز مانند سایر عرصه ها نیروهای دوقطب تروریستی همدیگر را تقویت میکنند و به یکدیگر زمینه رشد و گسترش میدهند.

۴- یک مانع درمقابل حل مساله فلسطین جنبش اسلام سیاسی است. هر اندازه نفوذ و قدرت نیروهای اسلام سیاسی در جامعه فلسطین و در خاورمیانه بیشتر شود حل مساله فلسطین دشوارتر و دور از دسترس تر خواهد شد.

جنبش اسلام سیاسی بر زمینه مشقات و محرومیتهای مردم فلسطین رشد کرده و از مساله فلسطین بعنوان عاملی برای توجیه و پیشبرد اهداف و سیاستهای ارتجاعی خود استفاده میکند. اسلام سیاسی مستقیما در حفظ و تداوم بحران و جنگ و کشمکش بر سر مساله فلسطین دینفع است و از

همین رو خواهان حفظ این شرایط بعنوان سرمایه سیاسی و منشا قدرتیگیری خویش است.

مشخصا نیروهای اسلامی با عملیات تروریستی علیه مردم اسرائیل، با نفرت پراکنی قومی و مذهبی بین "عرب" و "یهود"، با برسمیت نشناختن دولت اسرائیل و اعلام خواست حذف و نابودی این کشور، و با جنگ افروزی و جنگ طلبی در خاورمیانه بعنوان مانعی در مقابل حل مساله فلسطین عمل میکنند. تا آنجا که به مساله فلسطین مربوط میشود نیروهای تروریست اسلامی و جریانات افراطی راست و مذهبی در اسرائیل همسو و مکمل و تقویت کننده یکدیگرند.

این دو جریان ارتجاعی باید از چپ و سکولاریسم و آزادیخواهی در هر دو سو شکست بخورند و به حاشیه رانده شوند.

۵- در مقابل دورنمای ارتجاعی جنگ قدرت قطبهای تروریستی در خاورمیانه، حزب کمونیست کارگری راه حل یک خاورمیانه مدرن و سکولار و آزاد و برابر را در چشم انداز قرار میدهد و برای تحقق آن مبارزه میکند. یک شرط لازم و فوری تحقق این چشم انداز، تشکیل دولت مستقل و متساوی الحقوق فلسطینی است.

امروز برای تحقق این امر باید آنرا را از زیر آوار جدال قدرت قطبهای تروریستی بیرون کشید، برجسته کرد و بعنوان کلید حل واقعی بحران خاورمیانه در مرکز توجه افکار عمومی و نیروهای چپ و مترقی دنیا قرار داد. باید در برابر سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و اسرائیل و متحدینشان ایستاد و این دولتها را برای برسمیت شناسی دولت مستقل فلسطینی تحت فشار قرار داد. باید بر این خواست پای فشرده که دولت اسرائیل فوراً و بدون قید و شرط

سرزمینهای اشغالی را ترك کند و دولت مستقل فلسطینی را برسمیت بشناسد. باید راست افراطی در اسرائیل و حماس و حزب الله را از فلسطین و جنبش مردم فلسطین به عقب راند و منزوی و حاشیه ای کرد. باید ضد آمریکائی گری و ضد اسرائیلی گری ارتجاعی حزب الله و حماس و جنبش اسلام سیاسی را افشا کرد و در برابر آن نقد چپ و رادیکال نظم نوین جهانی و تروریسم دولتی آمریکا و اسرائیل را قرار داد.

برای پیشبرد این وظایف، نیروهای چپ و سکولار و آزادیخواه، صف بشریت متمدن، باید در برابر دو قطب تروریستی در خاورمیانه و در سراسر جهان بسیج شود و بمیدان بیاید. امروز هم حل مساله فلسطین و هم برقراری یک صلح پایدار در خاورمیانه در گرو قدرت گیری و دخالتگری این نیروها، نیروهای جبهه سوم در برابر دو قطب تروریستی، در عرصه خاورمیانه و در سطح جهانی است.

حزب کمونیست کارگری سازماندهی جنبش جبهه سوم در برابر قطبهای تروریستی را یک هدف عاجل خود قرار داده و همه نیروها و سازمانهای چپ و سکولار و آزادیخواه را به پیوستن به این جنبش فرامیخواند.

ما یکبار دیگر اعلام میکنیم که رهایی واقعی و آزادی و برابری مردم در فلسطین و اسرائیل منوط به تحقق سوسیالیسم در این جوامع است. حل مساله فلسطین راه مبارزه توده های کارگر و زحمتکش در منطقه را برای استقرار سوسیالیسم هموار خواهد کرد.

**دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری ایران**

۲۰ سپتامبر ۲۰۰۶، ۲۹ شهریور ۱۳۸۵

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انتر ناسیونال: www.international.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv
آدرس تماس با حزب: markazi@ukonline.co.uk

تلفن و فاکس برای تماس با حزب:

Tel: 0044-7950 517 465
Fax: 0044-8701 351 338

از صفحه ۲ جنگ تمدنها یا جنگ علیه تمدن

مذاهب نیست. جنگ تمدنها نیست. جنگ "تمدن مسیحی" در مقابل "تمدن اسلامی" نیست. این جنگ دو ارتجاع علیه تمدن انسانی است. این یک جنگ سیاسی است. این گوشه ای از جنگ قدرت دو جنبش تروریستی جهان معاصر است.

دست به عصا اما سیاسی و اتیکان در کنار "امپراطوری" امروز آمریکا و متحدینش، یک قطب تروریسم جهانی در مقابل قطب مقابل است. و اکنون خشم آلود جنبش اسلامی هم دقیقاً واکنش سیاسی قطب دیگر تروریسم جهانی است. این جنگ

بشریت معاصر فقط در صورتی و بدرجه ای نفس راحتی خواهد کشید که بتواند این دو جنبش و دو قطب شرور و تبه کار و آدمکش را عقب براند، که بتواند نظام سرمایه داری، یعنی همان بنیاد طبقاتی این جنبشها را زیر و رو کند و جهان و زندگی انسانها را برای همیشه از شر این قطبهای ضد مدنیت و ضد سعادت انسانی پاک کند. *

کمک کنید عزیزان ما از اعدام نجات یابند!

از صفحه ۱ این جاده یکطرفه است

همعنوان: مردم اسنادوست

عزیزان ما را به اعدام محکوم کرده اند و قرار است به دار آویخته شوند. ما خانواده های محکومین به اعدام، هر لحظه، نگران شنیدن خبر اجرای حکم اعدام عزیزان خود هستیم.

عزیزان ما قربانی فقر هستند. قربانی نابرابری و تحقیر و توهین روزمره هستند. قربانی قوانین ناعادلانه هستند. اگر شرایط زندگی آنها اینچنین دشوار و غیرقابل تحمل نبود امروز هرکدام در دانشگاه مشغول تحصیل بودند و یا در کارخانه ای، در اداره ای، جاتی مشغول کار بودند. شرایط دشوار زندگی آنها را به این روز انداخته است. این شرایط است که باید

محکوم شود. این فقر و نابرابری است که باید محکوم شود. به فقر و نابرابری باید پایان داده شود و نه به زندگی عزیزان ما. این عدالت نیست که قربانیان این شرایط اینچنین بیرحمانه به زندان بیفتند و به چوبه دار آویخته شوند.

ما با در دست داشتن عکس این عزیزان که در انتظار روزهای پایانی زندگی خود هستند، یکشنبه در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران جمع میشویم. ما میخواهیم با صدای رسا بگوییم عزیزان ما را اعدام نکنید. به یاری ما پشتیبانید. این غیر قابل تصور است که عزیزترین فرد زندگیت، جگر گوشه ات، طناب دار بر گردش آویزان کنند

و از زندگی محروم کنند. این وحشتناک است. ما نمیخواهیم این روز را ببینیم. ما آزادی آنها را میخواهیم.

به ما کمک کنید، عزیزانمان را نجات دهید!

روز یکشنبه ۲ مهرماه ساعت ۵ بعدازظهر، مقابل دفتر سازمان ملل - خیابان قائم مقام فرآهانی نرسیده به خیابان بهشتی جمع میشویم و از همه شما میخواهیم به ما بپیوندید و ما را یاری دهید.

خانواده کبرا رحمانپور

خانواده نازنین فاتحی

خانواده فاطمه حقیقت پژوه

۲۷ شهریور ۱۳۸۵

در میتینگهای اعتراضی بر علیه اعدام شرکت کنید

شهرهای اروپایی فراخوان به برگزاری میتینگ داده است.

در ترکیه چندین میتینگ اعتراضی با دخالت اتحادیه های کارگری احزاب سیاسی و سازمانهای مدافع حقوق انسانی برپا میشود.

کمیته بین المللی علیه اعدام، از همگان دعوت میکند که در این تظاهرات فعالانه شرکت کرده و کاری کنند، که نه فقط جان محکومین به اعدام نجات یابد، بلکه یک صفحه درخشان، در ابراز نفرت و انزجار عمومی علیه قتل عمد دولتی و یک ابراز همبستگی جهانی با خانواده های محکومین به اعدام را به ثبت برسانیم. کمیته بین المللی علیه اعدام مفتخر است که در صف مقدم این جبهه مدافع حقوق انسانی

کمپین نجات کبرا رحمانپور به پیش میروند. در بسیاری از کشورها سازمانهای مدافع حقوق زنان، حقوق انسانی و احزاب سیاسی فراخوان به برگزاری میتینگهای متعددی داده شده است.

از بسیاری از شهرها در سراسر جهان، از کشورهای اسکانیدیناوی، کانادا، ترکیه، و آمریکا و... فراخوان برگزاری میتینگهای متعددی به دست ما رسیده است. علاوه بر سازمانهای ایرانی در کپنهاگ، مالمو، ترکیه، استرالیا و... سازمانهای مدافع حقوق انسانی و مخالف اعدام و اتحادیه های کارگری نیز فراخوان به تجمع و میتینگ اعتراضی داده اند. سازمان آزادی زن در بسیاری از

ایستاده است. همه احزاب، سازمانها، تشکلهای و فعالینی که در دفاع از این کمپین برای پیشبرد هرچه باشکوه تر این تجمعات اعتراضی تلاش میکنند میتوانند از طریق کمیته بین المللی علیه اعدام آخرین خبر و اطلاعات لازم، عکس محکومین به اعدام وضعیت پرورنده آنها و... در دریافت کنند.

یک جبهه متحد و مدافع حقوق انسانی علیه اعدام میتواند شکل بگیرد و به میدان بیاید.

در میتینگهای اعتراضی علیه احکام اعدام در همه جا فعالانه شرکت کنید!

کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۱ سپتامبر ۲۰۰۶

نشود، این به اسم يك دولت تمام نمی شود و ناکارآمدی دینی تلقی می شود. هشدار می دهد اگر رژیم اسلامی از این مرحله جان سالم بدر نبرد، هیچ بخشی از حکومت با هیچ شعار و با هیچ ترکیبی نمی تواند هجوم مردم برای سرنگونی را کنترل کند. می گوید: "اگر نگرانی ما در دوره دوم خرداد این بود که جریانی به سمت سکولاریسم می رود، الان می ترسم فضا به سمت لائیک شدن برود."

جمهوری اسلامی با شعار اسلام نه يك کلمه کمتر نه يك کلمه بیشتر در مقابل انسانی ترین و ابتدایی ترین خواست مردم - رفاه و آزادی- ایستاد و با سازماندهی يك کشتار عظیم و سرکوب و زندان به عمر سراپا جنایش تداوم بخشید. شکست این استراتژی با روی کار آمدن خاتمی اعلام شد و دوم خرداد نیز پاسخ بخشی از رژیم در مهار مبارزات مردمی بود که آزادی می خواستند و برای آزادی و رفاه در خیابانها رو در روی رژیم قرار گرفته بودند؛ پاسخ زنان و جوانانی بود که ارتجاع فرهنگی را پس می زدند و می خواستند در يك فضای آزاد نفس بکشند. نگرانی دور اول آقای خوش چهره از "سکولار" شدن دوستانش در حکومت نبود، عبور مردم از دوم خرداد بود که ضرورت روی کار آمدن باند احمدی نژاد را در دامن رژیم گذاشت. احمدی نژاد آمد تا باز هم به سیاق گذشته در خیابانها گردن بزند و مرعوب کند. اما این بار مجبور شدند با لفاظی بر سر گذاشتن لقمه نانی بر سفره مردم و با حرافی تحت نام عدالت اسلامی در باره کارگر گرسنه و بیحقوق دستی بر

سرم کارگر گرسنه و بی حقوق بکشند تا به خیال خود متشکل ترین بخش جامعه را ساکت کنند و در سرکوب و عقب راندن کل جامعه با موانع جدی روبرو نشوند. دیدیم و قابل پیش بینی بود که معنای واقعی برقراری "عدالت اسلامی"، فقر و گرسنگی کارگر در ابعاد گسترده تر است. دیدیم فقر و گرسنگی حتی ابعاد وحشتناک تری پیدا کرده است و از سوی دیگر شاهد ابعاد گسترده تر مبارزات کارگری هم از نظر کمی و هم کیفی هستیم که رژیم را در منگنه قرار داده است. مبارزات هر روزه و بی وقفه جنبش برای آزادی زن نگاه ها را نه تنها در ایران که در خارج از آن نیز میخکوب خود کرده است. خلاصی فرهنگی و تنفر از فرهنگ متعفن اسلامی را می شود بر سر هر کوچه و خیابانی دید. جامعه با تمام قوا رژیم اسلامی را پس می زند و جمهوری اسلامی در فلج کامل است.

باز هم به قول خوش چهره دولت با شعار عدالت روی کار آمد و اگر در تحقق عدالت شکست بخورد: "نسل جوان ما می گوید دین نتوانست عدالت را برقرار کند". و همه درد و ترس رژیم همینجاست. حکومت اسلامی نه راه پیش دارد و نه امکان برگشتن به شرایط گذشته. جاده ای که رژیم اسلامی در آن قرار دارد يك طرفه و دور زند در آن ممنوع است!

پرچم خلاصی از دست جمهوری اسلامی و برقراری همه خواست های انسانی مردم در دست حزب کمونیست کارگری است. با گرد آمدن حول این پرچم و متشکل شدن در این حزب می شود و باید رژیم اسلامی را انداخت! *

صفحه ۷

کنفرانس مطبوعاتی مقابل پارلمان انتاریو در اعتراض به حضور احمدی نژاد در سازمان ملل

امروز دو شنبه ۱۸ سپتامبر کنفرانس مطبوعاتی در اعتراض به حضور احمدی نژاد در سازمان ملل برگزار شد.

در این کنفرانس که توسط هما ارجمند سخنگوی کمپین عیله دادگاههای شریعه در کانادا فراخوان داده شده بود، چندین رسانه محلی و سراسری کانادا حضور بهم رسانده بودند، چندین فعال سیاسی، اجتماعی و زندانیان سیاسی سابق ادعانامه خویش را علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی اعلام

کردند و خواهان دستگیری و محاکمه احمدی نژاد بعنوان رئیس جمهور این رژیم ترور و کشتار و سرکوب شدند.

هما ارجمند با تکیه بر کیس زهرا کاظمی و نقش دستگاههای امنیتی و قضائی رژیم در شکنجه و قتل زهرا کاظمی از نماینده دولت کانادا در سازمان ملل خواست که از این نهاد خواهان دستگیری احمدی نژاد شود.

یدی محمودی در بیانیه کوتاه خود بر نقش رژیم جمهوری اسلامی در ترور فعالین سیاسی در خارج

کشور و بطور مشخص به مورد ترور غلام کشاورز سخنگوی فدراسیون اشاره کرد و خواهان اخراج سران رژیم از مجامع بین المللی شد. رویا امیری، فروغ ارغوان، مجید سیاسی، آناهیتا رحمانی، ایرج عماد بعنوان زندانیان سیاسی با ارائه کیسهای شخصی خود و شکنجه هایی که متحمل گشته و یاد آوری عزیزانی که اعدام شده اند، کيفرخواست خویش را علیه جمهوری اسلامی اعلام کردند و خواهان محاکمه سران رژیم در دادگاههای بین المللی شدند.

محمود احمدی به نقش اسلام سیاسی و ترور و کشتار مخالفین اشاره و دولت های غربی را بخاطر مداخلات با این رژیم محکوم کرد. از دیگر سخنرانان این اجتماع نینا تابان بود که نمونه دیگری از قساوت رژیم مبنی بر دستگیری و قتل معلم خویش را یاد آوری کرد و خواهان مجازات برای عاملین شکنجه و اعدام در ایران گشت.

در ادامه سامیه عسکری راجع به بی حقوقی زنان در ایران و بطور

اعدام سه جوان با بخشش بستگان مقتولین لغو شد! روحیه انتقام جوئی هیچ دردی را درمان نمیکنند

سرنگونی حکومت حافظ این نظام است. تلاش برای پایان دادن به اعدام گوشه ای از يك مبارزه وسیع و انسانی برای بزیر کشیدن این حکومت است.

متاسفانه در سه روز گذشته وحید ۲۰ ساله که از ۱۷ سالگی در زندان بود و علی اکبر ۴۰ ساله در زندان اوین تهران به دار آویخته شدند و هم اکنون طناب دار جان کبری رحمانپور، شهلا جاهد، فاطمه حقیقت پژوه، نازنین فاتحی، دل آرا ۱۷ ساله، مرتضی ۱۹ ساله و محمد - ح سرباز وظیفه و دهها نفر دیگر را تهدید میکند. اینها را باید نجات داد. خانواده های کبرا، شهلا، نازنین و فاطمه حقیقت پژوه برای روز یکشنبه دعوت به تجمع در مقابل سازمان ملل کرده اند. يك تلاش هماهنگ و گسترده میتواند جان این قربانیان را نجات دهد و به ایجاد يك صف بندی انسانی و بزرگ در مقابل مجازات اعدام كمك كند. حزب کمونیست کارگری از مردم آزادیخواه و مخالف اعدام دعوت میکند که خانواده های کبرا و فاطمه و نازنین را تنها نگذارند.

روز یکشنبه ساعت ۵ مقابل سازمان ملل در خیابان شریعتی بالاتر از حسینیه ارشاد، خیابان قبا، بلوار شهزاد، شماره ۳۹

سرتون باد جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۳۰ شهریور ۱۳۸۵ - ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۶

یک اتحادیه کارگری، خواهان لغو حکم اعدام کبری رحمانپور می شود

ای به سفیر جمهوری اسلامی در استرالیا از او خواسته است که مخالفت این اتحادیه را به حکم اعدام کبرا، اختناق، آپارتاید جنسی و بربریت نسبت به زنان اطلاع دهد. آندرو فرگوسن از جمهوری اسلامی بطور مشخص و قاطعانه خواسته است تا حکم اعدام کبرا لغو شود، مجازات اعلام پایان داده شود، شلاق و سنگسار متوقف شود و کنوانسیون حقوق بشر و حقوق فردی و اجتماعی زنان مراعات شود.

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۶، ۲۸ شهریور ۱۳۸۵

قانونیتش را با خواست خانواده قربانی تأیید میکند. خانواده مقتول از هر دو سو قربانی میشود؛ از یکسو عضوی از خانواده را از دست داده است و از سوی دیگر با خواست حکم قصاص برقتلی دیگر مهر تأیید میزند و زخمی دیگر برای همیشه باقی میگذارد. قانون قصاص نفرت و انتقام را نهادینه میکند و مهمتر دست دولت و قوانین ارتجاعی قضائی اش را برای برپا کردن چوبه دار باز نگهدارد. خانواده های قربانی میتوانند به سهم خود این سلاح را از دست رژیم اسلامی بگیرند و با نشان دادن چهره انسانی خود مانع اجرای اعدام شوند. اما اساس مساله این است که کل قوانین کثیف قضائی بلور ریخته شود و جای آن به قوانین انسانی داده شود. قوانینی که اعدام و نفی زندگی هیچکس در آن جایی ندارد.

مجازات اعدام اساسا برای مجرمین به قتل نیست، سران رژیم و کسانی که در مسند قاضی و دادستان، به پرونده قتل و جنایت رسیدگی میکنند خود بیشتر از هر کس دیگر قتل و جنایت کرده اند. اعدام بیش از صد هزار زندانی سیاسی تنها یکی از اقلام جنایت اینها است. اینها حافظین نظامی هستند که انسانها را به قتل و آدمکشی و دزدی و جنایت سوق میدهد و قربانی میکند. اولین قدم برای پایان دادن به قتل و جنایت و آدمکشی، و نظامی که قاتل و جنایتکار تولید میکند،

در سه روز گذشته سینا جوان ۱۸ ساله که پای چوبه دار نی نواخت، علی جان در زندان اوین و دختر ۲۲ ساله ای در خوی که پنج سال را در زندان سپری کرده است، با بخشش والدین و بستگان مقتولین از مجازات اعدام نجات یافتند. در مورد سینا از شب قبل تلاشهایی توسط کمیته بین المللی علیه اعدام و نازنین افشین جم از طریق سازمان ملل برای توقف این حکم صورت گرفته بود. بدون تردید باید به عمل انسانی و غلبه به حس انتقامجویی کسانی که زندگی را به سینا و علی جان و دختر ۲۲ ساله برگرداندند، عمیقا احترام گذاشت. این اقدامی علیه قانون ضد بشری قصاص اسلامی است. تردیدی نیست که اقدام والدین مقتولین مبنی بر بخشش این سه نفر، مشوق موارد مشابه خواهد شد و مردم آزادیخواه ایران به این خانواده ها با دیده احترام خواهند نگرست و با همبستگی عمیق و انسانی شان، در درد ناشی از فقدان عزیزان آنها شریک خواهند شد. مسئله مهم اما چگونگی اجرای عدالت و فلسفه امر قضا است. اجرای عدالت را در هیچ جامعه انسانی نمیتوان و نباید به درد و غم و شرایط روحی بازماندگان قربانیان سپرد. عدالتی که منشاء آن کینه و زخم ناشی از دست رفتن عزیزان باشد، عدالت نیست، بلکه مجوزی برای تداوم چرخه قتل و آدمکشی دولتی است که مشروعیت و

یک اتحادیه کارگری در استرالیا در نامه ای به مقامات جمهوری اسلامی خواهان لغو حکم اعدام کبرا رحمانپور و پایان دادن به شلاق و سنگسار و سرکوب زنان شد به دنبال تماس ارسلان ناظری از فعالین حزب کمونیست کارگری با اتحادیه کارگران ساختمان، جنگل، معدن و انرژی استرالیا، رئیس این اتحادیه آقای اندرو فرگوسن طی نامه

میخواهم زنده بمانم! اکسیونهای اعتراضی سازمان آزادی زن نگذاریم کبرا را اعدام کنند!

جمهوری اسلامی کبرا رحمانپور را به اعدام محکوم کرده. مردم آزادیخواه بیابید تا متحدانه به این حکم جنایتکارانه اعتراض کنیم و نگذاریم که کبرا را اعدام کنند. باید با تمام توان عیله آپارتاید جنسی و احکام ضد بشری اعدام در ایران ایستاد. سازمان آزادی زن از همه مردم

آزادیخواه و برابری طلب میخواهد که در پیکتهای اعتراضی که به همین مناسبت در شهرهای مختلف آلمان و سوئد برگزار میشود شرکت کنند و صدای اعتراض خود را با تمام توان عیله آپارتاید جنسی و اعتراض به قوانین آپارتاید جنسی در ایران را به گوش جهانیان برسانند.

پیکت های سازمان آزادی زن

آلمان

دوسلدورف: پیکت اعتراضی مکان: در مرکز شهر تاریخ: ۲۳ سپتامبر تلفن تماس ۰۱۶۰۳۲۸۰۶۴۵ حسن آقاییاری

پوم: پیکت اعتراضی مکان: در مرکز شهر تاریخ: شنبه ۲۳ سپتامبر تلفن تماس ۰۱۷۲۴۰۳۷۳۵ سیامک مکی

دورتموند: پیکت اعتراضی مکان: مقابل روزنامه واتر تاریخ: جمعه ۲۲ سپتامبر تلفن تماس ۰۱۶۲۲۷۱۱۶۳۴ بهرام نظری نیا

نورفرگ: میز اطلاعاتی مکان: در مرکز شهر تاریخ: شنبه ۲۳ سپتامبر تلفن تماس ۰۱۶۰۱۱۹۵۵۰۴

کلن: پیکت اعتراضی مکان: در مرکز شهر تاریخ: جمعه ۲۲ سپتامبر تلفن تماس ۰۱۷۷۲۸۲۷۲۰۷ یا ۰۱۷۸۳۰۲۴۸۲۲ برای اطلاعات بیشتر در آلمان میتوانید با شهلا خباززاده ۰۱۶۳۷۳۹۱۰۳۲ تماس بگیرید.

سوئد

استکهلم: مکان: Mynt torget تاریخ: ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۶ زمان ۱۳،۰۰

گوتنبرگ: مکان: Brunsparken مرکز شهر گوتنبرگ تاریخ: جمعه ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۶ زمان ۱۶:۳۰ تا ۱۸

گوتنبرگ: پیکت اعتراضی در مقابل نمایشگاه کتاب گوتنبرگ تاریخ: روز شنبه ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۶ زمان: ۱۱-۱۲:۳۰ مکان Korsvägen مقابل درب ورودی Svenska massan تماس، شهلا نوری تلفن ۰۷۳۷۲۶۲۶۲

مالمو: مکان: میدان گوستاو الدولف تاریخ: جمعه ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۶ زمان ۱۶:۳۰ تا ۱۸ تماس، فریده آرمان ۰۷۰-۳۶۳۸۰۸۸ برای اطلاعات بیشتر در سوئد میتوانید با مهین علیپور با شماره ۰۷۰۷۷۷۷۳۱۳ تماس بگیرید.

کانادا، ونکوور

مکان: کتا پخانه، خیابان لانزدل و چهاردهم، در نورت ونکوور تاریخ: روز شنبه ۲۳ سپتامبر زمان ۱ بعدازظهر **سخنرانان:** نازنین افشین جم، فهمیه صادقی، زری اصلی برای اطلاعات بیشتر میتوانید با زری اصلی با شماره ۰۷۴۷۲۷۸۹۸۶ تلفن تماس بگیرید. www.azadizan.com

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ انسانیت در دفاع از حق حیات

میان این اخبار، بارها و بارها می آید و می رود و هر کس سری به سایتها میزند و یا اخبار را تعقیب میکند، حتما چندین بار هم به این موضوع معطوف میشود. "کبرا را نجات دهید". کمپین نجات کبرا، یک سمبل بسیار بارز و برجسته دفاع از حرمت انسان، سمبل اعتراض به موقعیت زنان در ایران، سمبل اعتراض به فقر و نابرابری و در عین حال سمبل انزجار از قتل عمد دولتی است.

این کمپینی است که در آن طبقه کارگر ایران میتواند و باید در راس آن قرار گیرد. در جریان این کمپین انسانهای زحمتکش در اعماق جامعه، پدران و مادران کبرها، نازنین فاتحی ها و سیناها و حقیقت پژوه ها میتوانند حرف دلشان را بزنند. کسانی که بدون اینکه اسمشان جایی مطرح شود، میتوانند، نظاره گر قتل عزیزان خود بوده و کسی صدایشان و احساسشان و درد دلشان را نشنود. اینها در کمپین هایی از این نوع میتوانند وارد صحنه مبارزه برای دفاع از زندگی عزیزانشان شوند و در مقابل قتل عمد دولتی بایستند. به یمن وجود یک جنبش اعتراض جهانی علیه اعدام، سرگذشت انسانهای در اعماق، به صدر اخبار بخشی از رسانه ها رانده شده و این خانواده ها همراه دیگر همسرانشان با اعتماد بنفوس از خودشان و مشکلاتشان میگویند.

دوستان!

کمپین نجات کبرا رحمانپور، یکی از کمپین های جهانی و گسترده است که در دنیا به افشای ستمگریهای جمهوری اسلامی و موقعیت زندگی و مبارزه مردم فقیر و زحمتکش پرداخته و سمپاتی عمیق بین المللی را به دنبال داشته است. در این کمپین، قلب بزرگ بشریت متمدن در دنیا، به همراه خانواده کبری ها می طبد و روزانه پیامهای گسترده همدردی و اعتراض علیه اعدام بسوی این خانواده ها روان میشود. آخرین مورد، پیام همدردی اتحادیه کارگران با هزاران عضو در استرالیا بود که خواهان لغو فوری حکم اعدام کبرا شده اند.

این کمپینی است که در آن، نگاهها به درون روابط و شرایطی جلب شده است که کبرا و کبرها را به این روز انداخته است. اگر ما نبودیم،

اگر این نوع کمپین ها نبودند، باور عمومی این بود که یک "قاتل" را میکشند. امروز به یمن این جنبش جامعه تصویر و گوشه ای از واقعیتهای زندگی را میبیند. کبرا را می بینند، دختر حساس و مهربان و جوانی که وقتی روزی به مدرسه میرفت، آن هنگام که ۱۳ ساله بود، زمین خورده و او را به خانه می آوردند، وقتی مادرش از او میپرسد، چرا افتادی پاسخش این بود "مامان ضعف پاهایم را گرفت" و مادر اشک میریزد و متوجه میشود که کبرا شام نخورده و صبح هم غذایی نبوده که به او بدهد. این سرنوشت میلیونها کبری در ایران و کشورهای مشابه است. این گوشه ای از زندگی و درد و محنت طبقه ما است.

در این کمپین، در ابعاد میلیونی مردم یک بار دیگر متوجه عمق نابرابری و استثمار در جامعه سرمایه داری میشوند. این نوع فعالیت به مردم امکان میدهد که فجایع جامعه انسانی را در سطوح مختلف ببینند. هنگامی که مادر کبرا به خاطر می آورد که آن روزها پدر کبرا در حین کار از یک نردبان سقوط کرده و آسیب دیده بود و چون در ایران بیمه بیکاری نیست و سوانح در حین کار به حساب کارفرما گذاشته نمیشود، بچه اش باید گرسنه میماند. وقتی جان و حرمت و امنیت انسانها پیشیزی ارزش ندارد، کودک و حقوق او اصلا به حساب نمی آید و سرنوشت میلیونها نفر به دست مشتی دزد و قاتل و جنایتکار اسلامی افتاده است، کبرای نازنین از شدت گرسنگی باید ضعف کند و مادرش امروز اینرا با گریه و با اعتراض بیان میکند. این تنها گوشه ای از وقایع زندگی روزمره ما و هم طبقه ایهایمان است.

کبرا آینه ای است که در آن خانواده های کارگری موقعیت واقعی خود و خانوادشان را می بینند. کار طاقت فرسا و طولانی نان آور خانواده، فقط کفاف نان بخور و نمیری را میدهد و اگر این نان آور بهر دلیلی کار نکند، سرنوشت خانواده به بن بست کامل میرسد. وقتی کار به "شغل" برای امرار معاش تغییر ماهیت میدهد، وقتی کار نه به عنوان فعالیت انسانی برای رفع مایحتاج زندگی و سعادت بشر، بلکه به کالایی برای ازدیاد سود سرمایه تبدیل میشود سرنوشت کبرها را ما همیشه شاهد خواهیم بود. این

مناسبات تولیدی حاکم است که کارگری مثل کبرا را به این روز میندازد و در پیروسه زندگی باید شاهد قتل عمد او هم باشیم. کبرا آینه ای است که در آن میلیونها کودک خود را می بینند. کودکانی که با فقر و نداری و با مشکلات وحشتناک بزرگترها و والدینشان مجبورند دست و پنجه نرم کنند و جامعه و دولت در قبال زندگی و رفاه و امنیت روحی و جسمی آنها ابدی پاسخگو نیست. کبرا در این زندگی می آموزد که باید فوراً کاری بکند، باید عصای دست خانواده باشد و با وجود علاقه به تحصیل ناچار میشود دست از تحصیل بکشد تا نانی به سفره خانواده اضافه کند.

کبرا در منزلی که مستخدم آن بود مورد تجاوز قرار میگیرد. مردی که از او ۴۳ سال بزرگتر بوده است به صرف پولدار بودنش امکان اینرا پیدا میکند که به او تجاوز کند!!! در قوانین خدا و اسلام کبرا حتما مقصر بحساب می آید. در سیستم و فرهنگ و حکومتی که زن بنا به تعریف بانای فساد و مقصر است کبرا به این روز گرفتار شده است. در فرهنگ و مذهب و حکومتی که تن زنان تنها برای لذت مردان خلق شده و همه زنان مرکز فتنه و فساد هستند، کبرای جوان به این شرایط گرفتار شده است. هنگامی که تنش زیر هیکل گنده یک مرد پیر با زخم و درد پرپر شده است، از ترس قانون ضد زن و فشار فقر مجبور است این را هم بپذیرد، برای اینکه بجرم رابطه جنسی! قبل از عقد رسمی مجازات نشود به عقد او هم در بیاید.

کبرا در این وقایع، دنیا و زندگی پر از کثافتی را تجربه میکند. چهره بیرحم نظام و سیستمی را می بیند که برای او، برای احساسات او، برای افکار و آرزوها و تمایلات او پیشیزی ارزش قائل نیست. بعنوان یک زن دنیای موجود در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را تجربه میکند. بعنوان عضو یک خانواده کارگری و بعنوان خواهر یک فرد معلول، می بیند که نظام و سیستم حاکم تماماً علیه او عمل میکند. و بدین ترتیب است که زندگی کبرا، آئینه ای میشود برای میلیونها نفر که در آن خود را ببینند.

کبرا میتواندست خواهر، دختر یا مادر و... من و یا هر یک از شما باشد که باید زجر بکشد، بسوزد و بسازد. این قربانیان جامعه بیرحم کنونی میتوانند سر از زندان و تن

فروشی و به فروش گذاشته شدن یا سر از چاله سنگسار در آورند. نظامی و سیستمی که مثل تار عنکبوت به دست و پایت می پیچد و تو میمانی با یک دنیا آرزوی فروخته و با یک دنیا مشکل و تحقیر و توهین و قوانین و سنتهای ضد انسانی. در مقابل این هیولای وحشی حاکم بر زندگی ما، یا باید "بمانی و زندگی کنی و تحقیر را به جان بخری، یا باید بر علیه این قوانین و سنت و سیستم شورش کنی.

کبرا یکی از اعضای جامعه کارگری ایران است که تا کنون میسوزد و میسازد. ولی هرچه کمتر حرف میزند، هر چه کمتر اعتراض میکند، هر چه برای خاطر خانواده و کمک به برادر معلولش، از خود مایه میگذارد. دنیای بیرحم اطرافش، او را بیشتر مورد آزار قرار میدهد. و روزی که مرد ۴۳ سال بزرگتر از او، مردی که بیرحمانه به او تجاوز کرده و کبرا از بوی نفس او متنفر است، مردی که کبرا مجبور به ازدواج با او شده است، مبلغی اسکناس کف دستش گذاشته و او را از ماشین بیرون می اندازد، باز این کبرا است و دنیای بیرحم پیرامونش، و چه کسی است در ایران این دنیا را شناسد؟ سرنوشت کبرا آینه تمام نمای سرنوشت میلیونها زن و مرد در ایران است.

کمپین نجات کبرا میخواهد همین شرایط را آشکارا در مقابل چشم همگان قرار دهد. میخواهد بگوید قاتلین و جلادان اصلی در مقام مراجع قانونگذار و قاضی در مورد سرنوشت کبرای نازنینی که از شدت فقر زانوش لرزید و زمین خورد، کبرایی که با احساس مسئولیت برای کمک به خانواده اش به هر ذلتی تن داد، کبرای جوان که از خوشی وشادی و عشق و رابطه برابر با همسری که میتواند دوستش داشته باشد، گذشت و تن به تجاوز دائمی توسط مردی ۴۳ سال بزرگتر از خودش داد، تصمیم میگیرند. این قاتلین و دستگاه جنایت، میخواهند کبرا را با طناب دار به قتل برسانند.

این فعالیتها، باید مورد توجه همگان قرار گیرد و بهمین دلیل از همه شما کارگران مراکز تولیدی و همه کارگران همسرنوشت پدر کبرا دعوت میکنم که از این کمپین فعالانه دفاع کنید. این نوع کمپین ها فرهنگ میسازد و به نحو موثری جامعه را بر علیه قتل و اعدام یعنی قتل عمد دولتی واکسینه میکند. این نوع کمپین ها احترام به انسان و

انسانیت را گسترش میدهد و این نوع کمپین ها نفرت از فقر و نابرابری و استثمار و تحقیر و توهین به انسانها را افزایش میدهد.

اگر سرگذشت کبرا فیلم میشد و ما به تماشای فیلم نشستیم بودیم، حتما زار زار گریه میکردیم. اما این فیلم نیست، این واقعیت زندگی ماست. و ما بازیگران آن هستیم. ما که در بخشی از این داستان دراماتیک وارد صحنه شده و کاری کرده ایم که کبرا حرفش را بزند. کاری کرده ایم که پدر زحمتکش کبرا به خود و شرایط زندگی، کمی عمیق تر نگاه کند. کاری کرده ایم که مادر کبرا انگشت اتهامش را بسوی فقر و نابرابری و مدافعین این سیستم بگیرد. کاری کرده ایم که کبرا احساسش را بگیرد و احساس شخصیت و امنیت و احترام کند. ما بازیگران صحنه در قسمت "خوبها" هستیم در مقابل "بدها" در فیلمهای کودکان! امروز سرنوشت کبرا و چگونگی پایان این فیلم که خودمان بازیگران، قربانیان، و احتمالاً قهرمانان آن هستیم در دستهای ماست.

در مقابل رژیم جنایتکار و مکار، که توپ را در این روزهای آخر به زمین خانواده مقتول انداخته است و سعی میکند خود را بیگانه جلوه دهد، ما ایستاده ایم. ما اعلام میکنیم همان رژیمی که کبرا را به این روز انداخته است، همان حکومتی که وقتی پدر کبرا در سانه کار زمین گیر شده بود و نیرویی برای فروش به سرمایه داران نداشت به فکر ضعف و گرسنگی کبرا نبوده است، همان حکومتی که کودکان را آدم حساب نمیکند و تجاوز به دختر ۹ ساله را "شرعی" اعلام میکند، همان حکومتی که با تحمیل فقر و نابرابری و قوانین ضد انسانی وضد زن، این فاجعه را ساخته و بعد از آن با قتل و زنجیر و زندان و شکنجه و دادگاههای مسخره خود کبرا را در آستانه مرگ قرار داده است، باید کبرا را آزاد کند.

من از همه شما درخواست میکنم که فراخوان کمک به کبرا بدهید. اعلام کنید که مثلاً کارگران شرکت واحد بر علیه حکم اعدام کبرا هستند و یا کارگران کاشان از خواست آزادی فوری کبرا دفاع میکنند. از کبرای در آستانه اعدام با قدرت و وسعت دفاع کنید! اعلام کنید که در کنار خانواده های محکومین به اعدام خواهید بود.

رژیم اسلامی بر قله کوه آتشفشان معضلات رژیم اسلامی از زبان یک نهاد رژیم اسلامی

امید رهایی

خود خواندنی است. بخشی از اطلاعات هیئت نظارت بر مطبوعات در زمینه دلائل توقیف روزنامه شرق، در روزنامه جام جم بتاريخ ۲۲/۶/۸۵ در ستون کمی از سیاست چنین درج شده است: "درج گزارشی حاوی رواج روابط جنسی پیش از ازدواج، استهزای انقلاب اسلامی ایران، مقاله ای حاوی تصویری ناصحیح از جمهوری اسلامی ایران و تعرض به حضرت امام (ره)، تحلیل غیر واقعی از نسبت میان حکومت و حوزه های علمیه و داستانی حاوی تصویری نامناسب از دفن شهدا، تمسخر احکام دینی، تبلیغ یکی از فیلم های ممنوع که به سیاهمنامی در باره جمهوری اسلامی پرداخته است، ترویج اندیشه های مارکسیستی، تحریف تاریخ و اتهام حمایت از شاه به یکی از مراجع مسلم تقلید، مقاله ای حاوی تحلیل ناروا و توهین آمیز نسبت به امام خمینی (ره) و درج کاریکاتور موهن".

هر کدام از این اتهامات به روزنامه شرق، بیانگر وجود واقعیاتی است که روزانه صدها بار در جامعه و در برابر رژیم قرار میگیرد. کودن ترین عناصر خودی رژیم نیز قادر به چشم بستن به این واقعیات و مشاهدات نیستند. این واقعیات همانند پتکی سنگین بر سر این رژیم فرود می آید و آینده سپرده شدن حاکمیت اسلام به زیاله دان تاریخ را یاد آور میگردد. نگاهی گذرا به يك يك این اتهامات که انعکاس واقعیاتی عینی در جامعه ملتهد ایران است، خالی از لطف نخواهد بود.

"روابط جنسی پیش از ازدواج"، بیانگر وجود جنبشی سکولار در میان جوانان است که از جمله هر گونه نگاه سنتی به ازدواج و روابط جنسی را دگرگون کرده و در ابعاد وسیعی گذشته و سنت را به جدال کشیده است. نگاه مدرن به مقوله ازدواج در میان جوانان و اینکه دیگر رابطه جنسی يك تابو نیست و سنتها در حال زوال اند.

"استهزای انقلاب اسلامی در ایران"، کاری است که در ابعاد میلیونی و هر روزه توسط مردم اتفاق می افتد. جامعه ایران شاهد

استیصال حاکمیت سیاه اسلامی سرمایه و سرمایه داری در ایران از رو در روئی اش با جنبش سرنگونی طلبانه حاضر از زبان ادبی دلائلی که برای بستن یکی از روزنامه های خودی به اصطلاح رادیکال و دوازدادی آورده، بهتر میشود دریافت. این رژیم در طی ۲۷ سال عمر ننگین خود هر چه از دستش بر می آمد، بر علیه مردم انجام داده است. ولی امروز رژیم با تحریک جنبش سرنگونی، در سراسر کشور سقوط قرار گرفته و در برابر فشارهای این جنبش عکس العملهای مختلفی از خود نشان میدهد. برای فهم یکی از این عکس العمل ها سراغ یکی از اطلاعاتی های رسمی که مربوط به علل تعطیلی روزنامه شرق از طرف هیئت نظارت بر مطبوعات وزارت ارشاد صادر شده است میرویم تا دریابیم این بخش از دفتر و دستک دولتی که جایگاه مهمی در وزارت ارشاد نظام دارد، به مسائل پیشروی جامعه چه جوابی دارد؟

روزنامه شرق در ایران به عنوان يك روزنامه "رادیکال" که از نظر سیاست جلب خواننده موفق عمل کرده بود، شناخته میشود و صفحات روزنامه پر از مطالبی بود که طیفهای مختلفی را بخود جلب کرده بود. بسته شدن آن نیز تاثیرات زیادی در بی آبرو شدن هر چه بیشتر رژیم نقش داشت.

از روز ۲۳ شهریور روزنامه شرق چاپ و انتشارش متوقف گردید. بسته شدن روزنامه ها که البته با تفاوتی در شکل و شمایل و طرح دیدگاه جناح های مختلف رژیم، همه خودی بودند هیچ تحریک خاصی در چند سال گذشته بوجود نیآورده است (به غیر از مورد بسته شدن روزنامه سلام که بهانه ای بود به راه افتادن جریان ۱۸ تیر کوی دانشگاه تهران). چنین اتفاقی، جزئی از واقعیت انکار ناپذیر در زندگی تحت نظام جمهوری اسلامی در جامعه ایران است، و مردم به چنین اعمال فشارهایی به مطبوعات و جراید به عنوان يك نرم جاری نگاه میکنند.

ولی انعکاس واقعیات موجود در جامعه از زبان هیئت نظارت بر مطبوعات وزارت ارشاد اسلامی نظام در حال زوال، جالب و در نوع

از صفحه ۴ کنفرانس مطبوعاتی

محل و سراسری کانادا از جمله سی بی سی رادیو، ناشنال پست، سی اف ار ای از اتاوا، سی ایچ کیو ار از کالگری، تلویزیون فرانسوی زبان سی بی سی، رادیو ک ال ام از لوس انجلس، و هم چنین رادیو فردا شرکت داشتند که در کنار تهیه فیلم و گزارش از اجتماع اعتراضی با چند تن از سخنرانان مصاحبه کردند. همچنین پیش از کنفرانس و بعد از آن دهها رسانه خبری با هما ارجمند در رابطه با سفر احمدی نژاد به سازمان ملل و واکنش ایرانیان خارج از کشور و گروههای سیاسی مخالف مصاحبه کردند که جزئیات آن بعدا به اطلاع خواهد رسید. بارها در طول کنفرانس مطبوعاتی اعلام شد که صدها نفر از کانادا عازم آمریکا بوده تا در تظاهرات وسیع مقابل سازمان ملل در اعتراض به حضور احمدی نژاد شرکت کنند.

تفکرات خارج از کشور

حزب کمونیست کارگری ایران - کانا (شرق)

۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶

زندانهای جمهوری اسلامی را بازگو کرد تا عمق توحشی که بر مردم در ایران می رود را نشان دهد. سرگل احمد از فعالین حقوق کودکان در عراق و خیال ابراهیم دبیر سازمان آزادی زن عراق با ارائه تصویری از بی حقوقی زنان در کشورهای اسلام زده و جو رعب و وحشتی که جریانات اسلامی با حمایتهای سیاسی و مادی از جمهوری اسلامی ایجاد میکنند، خواهان پایان دادن به حمایتهای دول غربی از رژیم اسلامی گشتند. در این کنفرانس مطبوعاتی سمیر نوری از طرف رهبری حزب کمونیست کارگری چپ عراق با اشاره به دست داشتن رژیم اسلامی در سازمان دادن ترور او در کردستان عراق که ناموفق بود بر این تاکید گذاشت که چگونه عراق به جولانگاه نهادی امنیتی و نظامی رژیم اسلامی بدل شده و بمبگذاریها و ترورهای گسترده در این کشور را ناشی از دخالت مستقل جمهوری اسلامی دانست. در این کنفرانس چندین رسانه

يك جنبش وسیع بر علیه رژیم است که هیچکس یارای مقابله با آن و انکار آنرا ندارد.

"ارائه تصویر ناصحیح از جمهوری اسلامی"، تصویر واقعی جمهوری اسلامی، همانظوری است که مردم بدرستی و با اعتراض خود، بارها و بارها در خیابانها نشان داده اند. تصویری که مردم ارائه میدهند، واقعیاتی عینی است که با زندگی تحت جهنم جمهوری اسلامی خوانائی دارد، تصویری سیاه که از سر تا پایش لجن میبارد و از تعفن آن حال میلیونها انسان در ایران و جهان بهم میخورد. جمهوری اسلامی، یعنی جمهوری ترور و وحشت و ۲۷ سال زندان و شکنجه، ۲۷ سال سنگسار صد هزار اعدام و بی حقوقی بی حد و حصر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی. این تصویر واقعی جمهوری اسلامی است.

"تعرض به امام (ره)"، يك واقعیت همه روزه در ایران است. با توجه به تصویری که مردم از رژیم جمهوری اسلامی دارند، طبیعی است که به بنیانگذارش هم لعن و نفرین بفرستند و هر روزه به شخصیت بی مقدارش توهین شود.

"تمسخر احکام دینی"، هم يك واقعیت است. مردم ایران در شرایط موجود، در لحظه لحظه زندگیشان و در شوخی های روز مره شان از هر فرصتی استفاده میکنند تا با تمسخر احکام دینی در اشکال مختلف، خشم فروخته خود را خاموش کنند. این تمسخر به حدی گسترده است که در معابر و مکانهای عمومی هم مردم از ابراز تمسخر به اخوند جماعت و سران ریز و درشت حکومت ابائی ندارند و علنا مسخره کردن عوامل رژیم به فرهنگ عمومی و نرم تبدیل شده است. همانطور که منصور حکمت میگوید: جامعه ایران شاهد هجوم ضد اسلامی مردم در جریان يك جنبش همگانی خواهد بود. (نقل به معنی) امروز ما دقیقا شاهد چنین تحولاتی از سوی جوانان و زنان هستیم.

"ترویج اندیشه های مارکسیستی"، از يك واقعیت تاریخی خبر میدهد. مارکسیستها و کمونیستهای امروز ایران، عمدتا

کبرا در زندان انعکاس فعالیتها بین المللی و فعالیت در ایران برای نجات جاناش را شنیده است. میگویند، خونی تازه در رگهای دمیده و صدایش صافتر و محکمتر شده و رنگ به صورتش بازگشته است. میگویند کبرا روزانه با اشتیاق اخبار را تعقیب میکند و در عین حال همواره گوشزد میکند

مشکل در حزب کمونیست کارگری ایران هستند. این حزب به اشکال مختلف تاثیرات خودش را بر جنبشهای مختلف، از جنبش کارگری گرفته تا جنبش جوانان و زنان، جنبش دفاع از حقوق کودک و هر حرکتی که ریشه در نقد وضع موجود و برای دفاع از حقوق جهانشمول انسان دارد گذاشته است. تمایل روزنامه شرق در درج مقالات مختلف در باره مارکس و مارکسیسم (البته نه با تعبیر کمونیستی کارگری آن) از آنجا هست که امروز فضای روشنفکری ایران در سایه تلاشهای فعالین حزب

Tel: 0044-779-1130-707
Fax: 0044-870-135-1338
Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

از صفحه ۶ انسانیت در دفاع از حق حیات

که علیرغم همه این اخبار خوب، هنوز می ترسد و هنوز منتظر شنیدن خبر خوب آزادی اش است. آیا ما میتوانیم این روز را به حکومت جنایت اسلامی بقبولانیم! در این کمپین در دفاع از انسانیت باید فعالانه تلاش کرد و کبرا را از دست جلاخان نجات داد.*

تاثیر رادیو و بویژه تلویزیون حزب در افکار عمومی، خواهان مطالعه مارکس و مارکسیسم بوده و خود همین از تیسراژ فروش آثار مارکسیستی نیز بخوبی قابل درک است. این خواست و تمایل عمومی دیگر قابل بازگشت نیست. واقعیاتی انکار ناپذیر که با بزیر کشیدن رژیم بیشتر خود را اثبات خواهد نمود.

رژیم خود بخوبی میدانند که بر قله کوه آتشفشان قرار گرفته است که از آن گریزی نیست. قله آتشفشان انقلاب مردم ایران برهبری طبقه کارگر و با هدایت حزب کمونیست کارگری ایران.*

میتینگ مخالفان جمهوری اسلامی علیه حضور احمدی نژاد در مقابل سازمان ملل برگزار شد

همچنین تعداد زیادی از اطلاعاتی های مربوط به کبرا رحمانپور را در میان حاضرین توزیع کردند. از رسانه های حاضر در محل، فاکس نیوز، وای تی وی، یک شبکه تلویزیونی استرالیایی و یک شبکه تلویزیونی ایتالیایی با محمود احمدی مشاور کمیته مرکزی حزب مصاحبه کردند. میتینگ اعتراضی علیه جمهوری اسلامی و احمدی نژاد تا ساعت ۳ بعدازظهر ادامه داشت.

لازم به توضیح است که قبل از تظاهرات علیه حضور احمدی نژاد، همزمان با سخنرانی بوش تظاهراتی علیه بوش و تهدیدات جنگی دولت آمریکا برگزار شد که بیش از هزار نفر در آن شرکت داشتند. فعالین حزب در این تظاهرات نیز شرکت فعال داشتند. بوش ترا و پدوت را میشناسیم، شما قاتلید، بوش یک جنایتکار جنگی است و باید محاکمه شود از جمله شعارهای این تظاهرات بود.

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده یاد جمهوری سوسیالیستی

تشکلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

کمک مالی به حزب

جمشید هادیان ۲۰۰ دلار کانادا
محمد کاظمی ۴۰ دلار کانادا

اسلامی تبدیل میشود. مضافا اینکه گشایش سیاسی در جامعه ای مانند ایران بدون یک گشایش اقتصادی و ملموس و فوری در زندگی مردمی که در فقر و فلاکت دست و پا میزنند میسر نیست. رژیم اسلامی به هیچکدام نمیتواند پاسخ دهد و سازش با دولت آمریکا از نظر مردم نه بعنوان یک نقطه قوت بلکه بعنوان یک خلع سلاح سیاسی و ایدئولوژیکی کامل جمهوری اسلامی ترجمه میشود. رژیم اسلامی چشم انداز ماندن ندارد، چه بسازد و چه بحران را تعمیق کند. هرکدام این روندها ایستگاهها و تناسب قوای جدیدی را به جنبش سرنگونی تحمیل میکند اما نفس نخواستن رژیم و خواسته های فوری مردم را نمیتواند به عقب براند. بنابراین هم رهائی از شرجی جمهوری اسلامی و هم مسئله "عادی سازی رابطه ایران و آمریکا"، در استراتژی سرنگونی و انقلاب علیه وضع موجود عملی است. *

امروز همزمان با حضور احمدی نژاد در سازمان ملل مخالفان جمهوری اسلامی که بیش از هزار نفر تخمین زده میشدند در مقابل ساختمان سازمان ملل دست به تظاهرات زدند و علیه جمهوری اسلامی شعار دادند و خواهان دستگیری احمدی نژاد و محاکمه سران جمهوری اسلامی شدند.

فعالین حزب کمونیست کارگری که با باندرولهای بزرگ و آفیشهایی با خواست تعقیب و محاکمه مقامات جمهوری اسلامی در مقابل سازمان ملل حضور داشتند، توجه مردم را به خود جلب کردند. از ساعت ۱۲ ظهر به وقت محلی شعار دادن علیه جمهوری اسلامی شروع شد و شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی از همه طرف بلند شد. بر روی باندرولهای حزب خواست محاکمه سران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت، مرگ بر جمهوری اسلامی و شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری همراه با آرم حزب دیده میشد. فعالین حزب

"ملت" حرف زدند؟! بیچاره مردم که گیر این جانیان افتاده اند و باید مرغ عزرا و عروسی جنگ و آشتی اینها باشند! یک مسئله را اینجا باید تاکید کرد؛ مردم ایران مخالف جنگ و تحریم اقتصادی "هوشمند و غیر هوشمند" اند. با این رژیم و سیاستهایش شدیدا مخالفتند. میدانند که مسئله سرنوشته مردم مطلقا مسئله جمهوری اسلامی نیست. مردم از نفی خطر جنگ و تحریم و پیامدهای وحشتناک آن و پایان نمایشات مضحک ضد آمریکائی استقبال میکنند. اما اگر رژیم اسلامی این صابون را به شکم خود زده که میتواند در پس سازش با دولتهای غربی، مردم را بگوید و بماند، بیراهه رفته است. رژیم اسلامی فاقد چنین توانی است. رژیم اسلامی برای ساکت کردن مردم بدوا نیازمند یک گشایش سیاسی است. اما هر درجه از عقب نشینی رژیم به حرارت مردم برای عبور از جمهوری

نشریه تایم و اظهارات روزنامه های جناح راست حکومت در ایران، حاکی از تغییر جهت روشنتر در سیاست جمهوری اسلامی مبنی بر تمایل به سازش با آمریکا و دولتهای غربی بر سر مسئله هسته ای است. هیجانات

دیپلماتیک و توقف پروسه مذاکرات و ازسرگیری آن ابداء منعکس کننده جهت سیاسی و روندی نیست که دارد طی میشود. نفس اینکه خاتمی دوباره "سفیرکبیر" میشود و احمدی نژاد حرفهای خاتمی را تکرار میکند، گویای این واقعیت است که در کل جمهوری اسلامی توافقاتی مبنی بر یک عقب نشینی "آبرومندان" صورت گرفته است. این روند قبل از هرچیز ناتوانی حکومت اسلامی در مقابله با مردم را نشان میدهد. بیانگر این واقعیت است که هر موضوعی رژیم اسلامی و اجزا آن را در مقابل هم قرار میدهد و شکافهایشان را تشدید میکند. این روند زبان مردم علیه حکومت را باز میکند و به یک رکن هویتی جمهوری اسلامی یعنی ضد آمریکائی گری مبتذلش نقطه پایانی میگذارد. این روند حاکی از شکست پروژه احمدی نژاد و تشدید اختلافات درون رژیم اسلامی برسر بقا نظام است. این روند افق جریانات قومی و ناسیونالیستی پنتاگونی اپوزیسیون را کور میکند و به نیروهای طرفدار رژیم جانی تازه میدهد. این روند حقانیت سیاست کمونیستی کارگری ما مبنی بر سرنگونی جمهوری اسلامی و انقلاب علیه بنیادهای این نظام ضد انسانی را تاکید میکند.

طرفین دولتی جدال هسته ای برای پیشبرد سیاستهای تروریستی و میلیتاریستی با محدودیتهای بسیاری مواجه اند. نفس سیاست تحریم نیز باتوجه به انشقاق در صفوف دولتهای غربی و منافع و استراتژیهای متضاد آنها مهر شکست را بر پیشانی دارد. طرح شیراک برای مذاکرات و همراهی دولت آمریکا با آن آغازگر روند جدیدی است که قرار است از دریچه "بحران هسته ای" به سوال پایه ای تر "روابط جمهوری اسلامی و آمریکا" پاسخ دهد. میگویند "نفس اینکه دو دولت جمهوری اسلامی و آمریکا پشت میز مذاکره بنشینند شگفت انگیز است". احمدی نژاد و بوش در سخنرانیهایشان در جلسه سازمان ملل البته تلاش کردند نیش و کنایه به همدیگر را فراموش نکنند. اما ناگهان هر دویشان طرفدار مردم آمریکا و ایران شدند و در مدح عظمت و بزرگی و تاریخ و آزادی دو



سیاوش دانشمند

در حاشیه رویدادها

مکان واتیکان در سیاست جهانی

تحمیل عقب نشینی به دستاوردهای بشر امروز است. اظهار تاسف پاپ از "رنجش مسلمانان" تنها هدفش کنترل اوضاع و جلوگیری از حمله به کلیساها و پیروان مسیحیت نیست، هدف مهمترش تعریف یک دیوار عبورناپذیر در مقابل نقد ارزشهای مذهبی است. هدف اینست آزادی بیان و مدرنیسم و سکولاریسم نیمنبد امروز را عقب راند و با وارد کردن بیشتر مذهب در سیاست، روند دیسکولاریزه کردن جوامع غربی را تسهیل کرد. هدف اینست که مردم محروم در کشورهای اسلام زده نتوانند علیه ارزشهای مذهبی و باندهای آدمکش اسلامی چیزی بگویند. هدف اینست که تصویر قلابی "جهان مسیحی" و "جهان اسلام" را جانداخت، دنیا و مردمانش را نه براساس هویت انسانی و طبقاتی بلکه براساس تعلق مذهبی دسته بندی کرد. واتیکان و کلیسای مسیحیت نهادی است ضد بشری و ابزاری است در خدمت سیاستهای راست جهانی. باید علیه دست درازی مذاهب در زندگی خصوصی و اجتماعی مردم ایستاد. باید بر تغییر جامعه و جهت رو به پیش جامعه تاکید کرد و با واپسگرایی فکری و فرهنگی به مقابله برخاست. باید از سکولاریسم و مدرنیسم و جامعه و حکومت غیر مذهبی دفاع کرد. مذهب امر خصوصی افراد است و در همین قلمرو نیز نمیتواند و نباید مانعی در مقابل حقوق جهانشمول و انتخاب آزاد افراد باشد. سکولاریسم اما هدف غائی جنبش آزادی و برابری را بیان نمیکند. مذهب را باید شکست داد. برای نفی کامل مذهب باید شرایط اجتماعی ای را نفی کرد که ضرورت وجود مذهب و بقا آنرا بازتولید میکنند. این امر تنها میتواند حاصل پیروزی سوسیالیسم و انقلاب کمونیستی طبقه کارگر باشد. انسان آزاد به مذهب و ملیت و ایدئولوژی نیاز ندارد. این هویتها کاذب محصول جامعه طبقاتی اند، و تنها با محو دولت و طبقات، بشر میتواند از شرشان خلاص شود.

گامی دیگر بسوی سازش

سخنان احمدی نژاد در مصاحبه با

سخنان پاپ در آلمان با تفاسیر متعددی روبرو شد. اما کمتر تفسیری به جایگاه سیاسی این سخنان در جدال دو کمپ تروریستی دنیای امروز اشاره کرد. حقیقت اینست که پاپ نیازی نداشت از آدمکشی و شمشیر خونین اسلام بگوید، چون مسیحیت و پیروانش کارنامه متفاوتی ندارند. هدف این سخنان نه رقابت مذهبی است و نه اعلام جنگ مذهبی. اما تداوم چنین سیاستهایی میتواند زمینه نفرت و جنگ مذهبی و فرقه ای را فراهم کند. واکنشهای تاکسونی جریانات اسلامی به سخنان پاپ پتانسیل چنین سیاستهایی را بوضوح نشان میدهند. اسلام و مسیحیت و یهودیت از یک سنخ اند، یک منشا دارند، تاریخ شان مشابه است، یک پروردگار دارند و همه شان فرزندان خدا روی زمین اند، همه شان نوکر سرمایه و ابزار سرکوب و توجیه حاکمیتهای ارتجاعی و مناسبات طبقاتی دنیای امروزند، همه شان ضد بشر و ضد زن و ضد کودک اند، همه شان "روح جهان بیروح" و آگاهی کاذب انسان از خود بیگانه اند، ربطی به آزادی و زندگی علمی بشر امروز ندارند. واتیکان و کلیسای مسیحیت، علیرغم اینکه توسط انقلاب دستتس کوتاه شده، امروز یک صنعت بزرگ با سرمایه های نجومی است. دستگاه مخوفی که اگر امروز دستش نیرسد با گیوتن کردن بزند لاقول میتواند علیه سکولاریسم و آزادی بیان و حقوق زن و کمونیسم بشدت فعال باشد. اگر رقابتی با اسلام و دیگر ادیان دارد از این زاویه است. ضدیت افراطی با کمونیسم و جنبش رادیکال کارگری، ضدیت با مدرنیسم و حقوق جهانشمول، ضدیت مفرط با زن و حقوق زن، ضدیت با آزادی بیان و نقد مذهب اساس همه ادیان و مذاهب است. اینها ماهیت و عملکرد مذهب است و باید دقیقا سخنان پاپ را از این عینکها مورد بررسی قرار داد. پاپ در جدال جهانی امروز تروریستها عنصر مذهب و تبیین مذهبی را بیش از پیش وارد جدال سیاسی میکند. هدف تقویت فاکتور مذهب در سیاست و همزمان